

## بررسی رابطه توانایی مدیریت و کیفیت گزارشگری مالی در بورس اوراق بهادار تهران

دکتر علی ابراهیمی کردلر<sup>۱</sup>، نوراله رحمانی پیچا<sup>۲</sup>

۱- استادیار دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، ایران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۶/۱۴ ، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۱۱

### چکیده:

در این پژوهش با استفاده از داده های تاریخی در خصوص داده های ۱۰۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طول سالهای ۱۳۸۵ الی ۱۳۸۹ (۵۱۰ سال-شرکت)، رابطه بین توانایی مدیریت و کیفیت گزارشگری مالی مورد بررسی قرار گرفته است. فرض اصلی این پژوهش آن است که کیفیت گزارشگری مالی با توانایی مدیریت رابطه معنادار دارد. در این پژوهش، فرضیه با استفاده از رگرسیون چند متغیره و نرم افزار Eviews بررسی شد. یافته های این پژوهش نشان میدهد که بین توانایی مدیریت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه معناداری وجود دارد و رابطه آن ها منفی است، که این یافته با پژوهش های مشابه از قبیل دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) سازگاری ندارد. البته با در نظر گرفتن تأثیر متغیر دامی (اندازه حسابرس) بر متغیرهای مستقل و کنترلی مشاهده می کنیم که توانایی مدیریت با کیفیت گزارشگری مالی رابطه مثبت دارد.

**واژه های کلیدی:** کیفیت گزارشگری مالی، توانایی مدیریت، اقلام تعهدی، کیفیت اقلام تعهدی.

\*.....

1-Ali20gol@yahoo.com

2-n\_rahmani1313@yahoo.com

\* نویسنده مسئول

نقش اصلی اطلاعات حسابداری در بازارهای مالی، فراهم کردن زمینه های لازم برای تخصیص بهینه منابع است. در پی رسوایی های مالی اخیر، اطمینان و اعتماد سرمایه گذاران به سیستم گزارشگری مالی تضعیف شده و کیفیت گزارشگری مالی به عنوان عامل مهمی در تعیین اعتبار و قابلیت اعتماد ارقام گزارش شده پدیدار گشت. در نتیجه تعیین کیفیت اطلاعات حسابداری و نتایج حاصل از آن، مورد علاقه سرمایه گذاران، مدیران، قانون گذاران و تدوین کنندگان استانداردهاست [۱]. محاسبه سود خالص یک بنگاه اقتصادی که به عنوان یکی از اقلام حسابداری در گزارش های مالی تهیه و ارائه میشود، متأثر از روشها و برآوردهای حسابداری است. امکان استفاده از روش های گوناگون حسابداری موجب شده است که سود واقعی شرکت ها با سود گزارششده در صورت های مالی تفاوت داشته باشد. نتایج پژوهش ها نشان میدهد که سطح بالای اقلام تعهدی موجب کاهش کیفیت سود میشود. بنابراین میتوان ادعا کرد که اقلام تعهدی بیشتر به معنی کیفیت کمتر و پایداری کمتر سود است [۵].

مدیران عالی به دلیل دسترسی به اطلاعات درونی و محرمانه شرکت، انتظار می رود دارای درک بیشتری از کسب و کارشان باشند که این امر موجب میشود آنها برآوردها و قضاوت های بهتری را انجام دهند. همچنین انتظار می رود تیم مدیریت، قادر باشد به صورت دقیق تری اقلام تعهدی را پیشبینی کند، برای مثال، در هنگام برآورد هزینه های سوخت شده، مدیران درک بیشتری از مشتریانشان و شرایط کلان اقتصادی دارند و همچنین در مورد مزایای آتی دارایی های ثبت شده، پیشبینی بهتری را به عمل می آورند و قادر خواهند بود که استانداردهای پیچیده را درک کنند و آنها را به کار ببرند. [۲۷ و ۲۹].

با توجه به ادبیات گذشته در حوزه کیفیت گزارشگری مالی، مشاهده میشود که تا حد زیادی تمرکز بر روی ویژگیهای خاص شرکت مانند اندازه شرکت و استقلال هیئتمدیره، بوده است [۱۳ و ۲۴]، درحالیکه، توانایی مدیریت نیز میتواند به عنوان یک عامل اثرگذار بر روی کیفیت گزارشگری مالی مطرح باشد که در ادبیات گذشته در نظر گرفته نشده است.

### مروری بر پیشینه تحقیق

آیر و همکاران (۲۰۰۵)، رابطه بین ویژگی های مدیران مالی و اشتباه در روش های حسابداری (به عنوان معیاری برای تجدید ارائه) را مورد بررسی قرار دادند آنها به این نتیجه رسیدند که بین تجدید ارائه و تخصص مدیر مالی همبستگی منفی وجود دارد. به طوری که شرکت هایی که از مدیر مالی تخصصی تر استفاده میکنند دارای تجدید ارائه کمتری هستند [۸].

فرانسیس و همکاران (۲۰۰۸) تأثیر شهرت مدیران اجرایی بر روی کیفیت سود را مورد بررسی قرار دادند. آن ها به این نتیجه رسیدند که بین میزان حسن شهرت مدیریت و کیفیت سود رابطه منفی وجود دارد. آنها



معتقدند که هیئت مدیره، برای مدیریت محیط های عملیاتی بسیار پیچیده و متغیر، مدیران مشهور و متخصص را به خدمت می گیرند و دلیل پایین بودن کیفیت سود این شرکتهای، محیط های عملیاتی متغیر و سایر ویژگیهایی درونی آنها و نه اقدامات مدیریت است [۲۰].

دی جونگ و لینگ (۲۰۱۰) در مقاله خود بررسی کردند که آیا ویژگیهای خاص مدیران عالی بر روی ارقام تعهدی که توسط ویژگیهای شرکت قابل توضیح نیستند اثر میگذارد. آن ها به این نتیجه رسیدند که مدیران اجرایی به احتمال زیادی بر روی ارقام تعهدی از طریق تصمیمات سیاسی شرکت و مدیران مالی بر روی ارقام تعهدی از طریق تصمیمات حسابداری اثر میگذارند [۱۵].

دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و توانایی مدیریت را مورد بررسی قرار دادند. آنها به این نتیجه رسیدند که کیفیت گزارشگری مالی با توانایی مدیریت رابطه مثبت دارد. نتیجه بدین صورت است که مدیران میتوانند بر روی کیفیت قضاوتها و برآوردهایی که در محاسبه سود کاربرد دارند، تأثیر بگذارند [۱۷].

لازم به ذکر است پژوهشهای صورت گرفته در رابطه با توانایی مدیریت در ایران بسیار محدود است، بنابراین با نگاهی گسترده تر به ادبیات گذشته میتوان پژوهشهای نزدیک به این موضوع را بیان داشت. نیکو مرام و بادآور نهندی (۱۳۸۸) در مقاله خود عوامل مؤثر بر انتخاب کیفیت گزارشگری مالی در ایران را شناسایی و ارزیابی کرده اند. نتایج نشان میدهد کیفیت گزارشگری مالی با حاشیه سودآوری، و کارایی مدیریت شرکت رابطه مثبت و با رقابت در بازار محصول، محافظه کاری مدیریت، اندازه، سرمایه بر بودن فعالیت، چرخه عملیاتی و پیچیدگی محیط فعالیت شرکت رابطه منفی دارد [۶].

اعتمادی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله خود به این موضوع پرداختند که مدیریت سود، چگونه کیفیت سود شرکت ها را تحت تأثیر قرار میدهد؟ نتایج به دست آمده نشان میدهد که با افزایش میزان ارقام تعهدی اختیاری، از مقادیر مطلوب ویژگی های سود کاسته میشود. در این میان کیفیت ارقام تعهدی پیش از سایر ویژگی ها، تحت تأثیر مدیریت سود قرار میگیرد. این نتایج از نظریه فرصت طلبانه بودن مدیریت سود حمایت کرده، نشان میدهد که مدیریت سود بر محتوای اطلاعاتی حسابداری خدشه وارد میکند [۲].

### مدیریت و کیفیت گزارشگری مالی

مدیران نمایندگانی هستند که از سوی مالکان واحدهای اقتصادی به منظور مدیریت منابع آنها در جهت کسب حداکثر رفاه منصوب میشوند. در راستای انجام وظایف نمایندگی، مدیران باید در مورد نحوه به کارگیری منابع اقتصادی تحت کنترل خود، در مقابل مالکان پاسخگو باشند و گزارشگری مالی از ابزارهای مهم پاسخگویی محسوب میشود. بر اساس مبانی نظری، کیفیت گزارشگری مالی ممکن است از برخی از عوامل مرتبط با مدیریت تأثیر بپذیرد که در ادامه، تشریح میشود [۶].



**الف- محافظه کاری مدیریت:** محافظه کاری در بهترین حالت، با عدم اطمینان موجود در ارزیابیها برخورد بسیار ضعیفی دارد و در بدترین حالت، منجر به تحریف کامل اطلاعات حسابداری میشود [۳]. باسو (۱۹۹۷) نشان می دهد زمانی که بازده ها منفی هستند، رابطه بین سودهای جاری و بازده های جاری نسبت به زمانی که بازده ها مثبت هستند، قوی تر است که این موضوع مؤید عدم تقارن زمانی سودها در منظور نمودن اخبار بد در مقابل اخبار خوب است [۱۸و۲]. پنمن و ژنگ (۲۰۰۲) به صورت تجربی نشان می دهند که محافظه کاری در مورد حسابداری مخارج تحقیق و توسعه، تبلیغات و موجودی ها منجر به کاهش کیفیت گزارش های مالی میشود [۲۸].

**ب- کارایی مدیریت:** مدیریت باید به عنوان نماینده مالکان، با تجزیه و تحلیل و درک اهداف سازمان تحت مسئولیت خود، منابع محدود را به بهترین نحو مورد استفاده قرار دهد. برترند و شعار (۲۰۰۳) دریافته اند که مدیران در انتخاب های شرکت برای مواردی از قبیل تحصیل دارایی ها و مخارج تحقیق و توسعه، تأثیرگذار هستند [۱۲]. دمرجیان و دیگران (۲۰۰۶) به این نتیجه دست یافتند که کیفیت سود (میزان ارتباط ارقام تعهدی با جریانهای نقدی) با افزایش توانایی مدیریتی بهبود میابد [۱۶]؛ این مطالعه با کنترل خصوصیات منحصر به فرد شرکتها که برآورد ارقام تعهدی را دشوار یا آسان میسازد (از قبیل چرخه عملیاتی و نوسانات فروش) و همچنین خصوصیات ساختاری (از قبیل استقلال هیئتمدیره و کیفیت کنترل داخلی) انجام گردیده است. یافته فوق از این ایده که مدیران توانمند سودهای باکیفیت تر تولید میکنند، حمایت میکند. ج. صداقت مدیریت: اطلاعات منعکس شده در گزارش های مالی در معرض این مخاطره قرار دارند که آنچه را که مدعی نمایش آن هستند، کاملاً به طور صادقانه بیان نکنند. این بدان علت است که در تشخیص معاملات و سایر رویدادهایی که قصد اندازه گیری آن وجود دارد، یا در طراحی و به کارگیری روشهای اندازه گیری و ارائه ای که بتواند پیام های مرتبط با آن معاملات و سایر رویدادها را انتقال دهد، موضوع انتخاب و اختیار عمل مطرح است. گوردون (۱۹۶۴) معتقد است که مدیریت علاقه مند است سود و نرخ رشد آن دارای نوعی ثبات و به دور از نوسانات زیاد باشد و در صورت لزوم ممکن است باهدف گمراه ساختن بازار، به مدیریت ارقام گزارش های مالی مبادرت نماید [۲۲]. بارووا و دیگران (۲۰۰۶) نشان می دهند که مدیریت ارقام تعهدی به منظور محقق ساختن (یا تجاوز از) پیشبینی های تحلیل گرایان و سودهای ایده آل انجام میشود و انگیزه این رفتار در شرکت های با سودآوری بیشتر در مقایسه با شرکت های با سودآوری کمتر، بالاتر است [۱۰].

### کیفیت گزارشگری مالی و توانایی مدیریت

کیفیت سود یکی از ویژگی های مهم گزارشگری مالی است که بر روی تخصیص بهینه منابع اثر میگذارد. سود یکی از مهمترین ورودی ها برای مدل های ارزیابی تحلیلگران و سرمایه گذاران است، از این رو، شرکت



های باکیفیت سود ضعیف تمایل دارند هزینه سرمایه بالاتری داشته باشند [۱۹] و همچنین واکنش منفی قیمت ها را به طور قابل توجهی به همراه دارد. بر اساس پژوهش دچو و اسکرند (۲۰۰۴) کیفیت سود بالاتر منعکس کننده عملکرد واقعی شرکت به صورت دقیق است [۱۴].

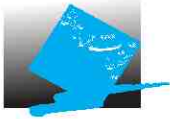
توانایی هر یک از مدیران در قضاوت و برآوردهای دقیق، متفاوت است. مدیرانی دارای توانایی بالا هستند که در مورد شرکت و صنعتی که در آن مشغول به فعالیت هستند، دارای آگاهی بیشتری باشند و همچنین با ترکیب مناسب اطلاعات به منظور انجام برآوردهای قابلتکا، بتوانند سودهای باکیفیت تری را گزارش کنند [۲۶]. برای مثال، ذخیره مطالبات مشکوک الوصول را در نظر بگیرید. یک مدیر ضعیف ممکن است نرخ تاریخی را برای مطالبات سوخت شده به کار ببرد، در صورتی که، مدیر با آگاهی بیشتر، بر اساس تغییرات مشتریان شرکت و روند صنعت و کلان اقتصادی، در نرخ تاریخی، تعدیلاتی را انجام میدهد.

به همین ترتیب مدیران توانمند می توانند نرخ استهلاک دقیق تر و منطقی تر، ارزش منصفانه و برآورد ارقام تعهدی را به نحو مناسب، گزارش کنند. بنابراین انتظار می رود، مدیران تواناتر، سودهای باکیفیت تری را گزارش کنند [۱۷].

این پژوهش بر اساس روش اسکوار و بترند (۲۰۰۳) است، آنها دریافتند که مدیران بر روی انتخاب های شرکت مثل مخارج تحصیل و تحقیق و توسعه تأثیر میگذارد [۱۲]. بامبر و همکاران (۲۰۱۰) شرکت را از جنبه تأثیرات مدیر مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که هر یک از مدیران سبک هایی را ترجیح می دهند که با ویژگی های شخصی و رهنمودهای آنها مرتبط است [۹]. جی و همکاران (۲۰۱۱) و دی جونگ و لینگ (۲۰۱۰) در یک روش مشابه، اثرات ثابت مدیر را بر روی سیاستهای گزارشگری مالی معین مورد بررسی قراردادند [۲۱ و ۱۵]، علاوه بر این بامبر و همکاران (۲۰۱۰) نیز در روشی مشابه اهمیت ویژگیهای فردی مدیران را اینگونه بیان میکنند: روشهای افشا و حسابداری شرکت بسته به اثرات ثابت مدیر متفاوت است. همان طور که قبلاً گفته شد، این رویکرد به محققان اجازه می دهد تا بتوانند اثرات ثابت ویژه مدیران را مستند کنند [۹].

به طور کلی شواهدی وجود دارد که نشاندهنده تأثیر مدیران بر روی کیفیت گزارشگری مالی است. از طرف دیگر نیز شواهدی وجود دارد که نشان می دهد مدیرانی که دارای مهارت و تخصص بیشتری هستند تجدید ارزیابی کمتری در سود روی میدهد.

فرانسیس و همکاران (۲۰۰۸) دریافتند که بین مدیران اجرایی مشهورتر و کیفیت گزارشگری کمتر، همبستگی وجود دارد [۲۰]. رابطه بعدی با شرکت هایی سازگار است که از قابلیت پیش بینی سود کمتری (کیفیت کمتر) به وسیله ماهیت تجاری آن ها برخوردار میباشند [۲۵ و ۱۴]. بدین ترتیب این شرکت ها مدیران بهتری را به کار می گیرند. اگرچه برآورد ارقام تعهدی دقیق تر در چنین محیطی با مشکلاتی همراه است، اما پیش بینی میشود که مدیران برتر می توانند برآورد دقیق تری را انجام دهند.



## فرضیه پژوهش

فرضیه این پژوهش به این صورت است: بین توانایی مدیریت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه معنادار وجود دارد.

## روش انجام پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی است و از لحاظ ماهیت چون قضاوت های ارزشی در آن کم رنگ است در زمره پژوهش های توصیفی به شمار می رود. روش پژوهش حاضر از نوع استقرایی و پس رویدادی (با استفاده از اطلاعات گذشته) است. روش آماری آن نیز همبستگی است. داده های جمع آوری شده توسط نرم افزار Excel محاسبه و با نرم افزار Eviews مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرند.

## جامعه، نمونه آماری و دوره زمانی پژوهش

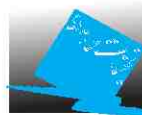
جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. با در نظر گرفتن ماهیت متغیرهای پژوهش شرایط لازم جهت انتخاب نمونه به شرح زیر ارائه گردید:

- ۱- پایان سال مالی شرکتها ۲۹ اسفند باشند و طی دوره پژوهش تغییر سال مالی نداشته باشند.
  - ۲- قبل از سال ۱۳۸۳ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشند و طی دوره پژوهش توقف عملیاتی نداشته باشند.
  - ۳- جزء شرکتهای واسطهگری مالی و بیمه و سرمایه گذاری نباشند.
  - ۴- اطلاعات آنها برای انجام پژوهش در دسترس باشند.
- با توجه به مجموعه شرایط یادشده و اطلاعات در دسترس، تعداد ۱۰۲ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ به عنوان نمونه آماری پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند. البته در عمل برای بدست آوردن برخی از متغیرها که لازم است از داده های سالهای قبل و بعد استفاده شود، اطلاعات سال های ۸۳ تا ۹۰ به کار برده میشود.

## مدل پژوهش

به منظور بررسی رابطه بین توانایی مدیریت و کیفیت گزارشگری و با توجه به متعدد بودن متغیرهای مستقل و کنترلی، و یگانه بودن متغیر وابسته مدل رگرسیون چندگانه به صورت زیر تنظیم میشود:

$$AccrualQuality_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 MA_{i,t} + \beta_2 FS_{i,t} + \beta_3 SV_{i,t-3:t} + \beta_4 CFV_{i,t-3:t} + \beta_5 OC_{i,t} + \beta_6 AS_{i,t} + \beta_7 SG_{i,t} + \beta_8 MA_{i,t} * AS_{i,t} + \beta_9 FS_{i,t} * AS_{i,t} + \beta_{10} SV_{i,t-3:t} * AS_{i,t} + \beta_{11} CFV_{i,t-3:t} * AuditorSize_{i,t} + \beta_{12} OC_{i,t} * AS_{i,t} + \beta_{13} SG_{i,t} * AS_{i,t} + \beta_{14} LagAQ_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t}$$



## تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش متغیر مستقل

متغیر مستقل در این پژوهش عبارت است از توانایی مدیریت. کارایی کل منابع شرکت ( $Total Efficiency_t$ ) رابطه زیر اندازه گیری شده است.

$$Total\ Efficiency_t = \frac{Sales_t}{COGS_t + SAExp_t + RD_t + PPE_t}$$

در این رابطه،  $COGS_t$ ،  $SAExp_t$ ،  $RD_t$ ،  $PPE_t$ ، بیانگر بهای تمام شده کالای فروش رفته، هزینه های فروش و اداری، هزینه های تحقیق و توسعه، و خالص دارایی های ثابت می باشند. دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) معتقدند که کارایی کل شرکت که به کمک رابطه فوق محاسبه میشود، نشانگر کارایی منابع در اختیار مدیریت و همچنین، توانایی های فردی مدیریت است؛ این رابطه رگرسیون در مدل زیر نشان داده شده است.

$$Firm\ Efficiency_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Ln(Total\ Assets)_{i,t} + \beta_2 MarketShare_{i,t} + \beta_3 PositiveFreeCash\ Flow_{i,t} + \beta_4 Ln(Age)_{i,t} + \beta_5 NFIRMS_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

در این مدل، متغیر وابسته بیانگر کارایی شرکت و سایر متغیرها به ترتیب بیانگر اندازه شرکت، سهم بازار شرکت (درآمد فروش شرکت به مجموع درآمد فروش صنعت)، جریان وجوه نقد آزاد مثبت، لگاریتم طبیعی عمر شرکت و لگاریتم طبیعی تعداد شرکت های فعال در صنعت (به عنوان شاخصی از رقابت در صنعت) می باشند. از رابطه زیر برای محاسبه جریان نقد آزاد استفاده می کنیم:

$$FCF_{i,t} = (CFO_{i,t} - INT_{i,t} - T_{i,t} - DIV_{i,t}) / A_{i,t}$$

متغیرهای موجود در این رابطه با حذف اندیس های شرکت و زمان بدین شرح است: FCF جریان های نقد آزاد؛ CFO جریان نقد عملیاتی؛ INT سود عملیاتی؛ T مالیات پرداختنی؛ DIV سود تقسیمی و A ارزش دفتری دارایی ها.

پس از انجام آزمون رگرسیون، توانایی مدیریت یا کارایی منحصر به فرد مدیر از طریق مقدار باقیمانده در هر سال شرکت مشخص می گردد.



محاسبه کیفیت ارقام تعهدی نیز از مدل تغییر یافته دجو و همکاران در این تحقیق استفاده خواهد شد (Decho, et al., ۲۰۰۲):

$$TCA_{j,t} = \beta_0 + \beta_1 * CFO_{j,t-1} + \beta_2 * CFO_{j,t} + \beta_3 * CFO_{j,t+1} + \beta_4 * \Delta REV_{j,t} + \beta_5 * PPE_{j,t} + u_{j,t}$$

TCA = تمام ارقام تعهدی جاری برای شرکت زدر سال t

$\Delta REV_{j,t}$  = تغییر در فروش خالص از t-1 تا t

$PPE_{j,t}$  = ارزش ناخالص اموال و ماشین آلات در سال t

CFO = گردش جریان نقدی عملیاتی

$U_{j,t}$  = خطای تخمین

$\beta$  = ضریب متغیر مستقل

$$TCA = \Delta CA - \Delta CL - \Delta Cash + \Delta STDEBT$$

$\Delta CA$  = تغییر در دارایی جاری

$\Delta CL$  = تغییر در بدهی جاری

$\Delta STDEBT$  = تغییر در حصة بدهی های بلند مدت

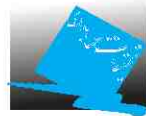
$\Delta Cash$  = تغییر در وجه نقد

● نحوه محاسبه کیفیت سود محاسبه شده بر اساس مدل تغییر یافته کوتاری و همکاران: کوتاری (۲۰۰۵) در پژوهش خود بیان می کند که کارایی شرکت بر تخمین ارقام تعهدی اختیاری اثرگذار است. زمانی که کارایی شرکت و همچنین ارتباط بین ارقام تعهدی و کارایی عادی نباشد، ممکن است ارقام تعهدی غیر اختیاری به عنوان ارقام تعهدی اختیاری به اشتباه طبقه بندی شود. کوتاری الگوی جونز را با اضافه کردن بازده دارایی ها به عنوان کنترلی برای اثر غیر خطی کارایی شرکت بر ارقام تعهدی تعدیل کرد که در این پژوهش از الگوی کوتاری و همکاران استفاده شده است. الگوی مذکور به شرح زیر است:

$$Accrual = a_1 + a_2 (\Delta REV - \Delta REC) + a_3 PPE + a_4 ROA + et$$

در این معادله؛ (Accrual) ارقام تعهدی کل است که برابر با تفاوت سود عملیاتی شرکت و جریان نقد ناشی از فعالیت های عملیاتی می باشد. ( $\Delta REV$ ) تغییرات درآمد شرکت در سال جاری نسبت به سال قبل، ( $\Delta REC$ ) تغییرات حساب های دریافتنی در سال جاری نسبت به سال قبل، ( $PPE$ ) ارزش ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات، ( $ROA$ ) نرخ بازده دارایی ها و ( $et$ ) مقادیر باقیمانده حاصل از مدل که شاخصی برای تعیین مقادیر مدیریت سود می باشد.





افشا می کنند.

۲-  $SV_{i,t-3:t}$  (Sales Volatility) عبارت است از انحراف معیار فروش طی چهار سال منتهی به سال جاری، نوسان فروش نشان دهنده نوسان در محیط عملیاتی شرکت است و احتمال استفاده بیشتر در برآورد موجب خطای برآورد بیشتر و کیفیت ارقام تعهدی پایین تری می شود.

۳-  $CFV_{i,t-3:t}$  (Cash Flow Volatility) عبارت است از انحراف معیار جریان وجوه نقد عملیاتی طی چهار سال منتهی به سال جاری، انحراف معیار بالا در جریان های نقدی میزان دیگری از عدم اطمینان نسبت به محیط عملیاتی شرکت است.

۴-  $OC_{it}$  (Operating Cycle) عبارت است از لگاریتم طبیعی مدت چرخه عملیات که مدت چرخه عملیات برابر است با حاصل رابطه زیر:

$$[(\text{فروش})/(\text{میانگین ح.د. تجاری}) + (\text{ب.ت.ک.ف.})/(\text{میانگین موجودی کالا})]$$

۵- طولانی بودن چرخه عملیاتی موجب طولانی شدن فاصله زمانی تبدیل ارقام تعهدی به جریانهای نقدی میشود که این امر موجب کاهش دقت پیشبینی ارقام تعهدی و کاهش کیفیت گزارشگری مالی میشود.

۶-  $AS_{it}$  (Auditor Size) عبارت است از اندازه موسسه حسابرسی و به صورت یک متغیر موهومی تعریف میشود که در صورتی که موسسه حسابرسی، سازمان حسابرسی باشد ارزش ۱ و در غیر این صورت ارزش صفر به خود میگیرد. در ادبیات حسابرسی اینگونه استدلال میشود که اندازه موسسه حسابرسی شاخصی از کیفیت حسابرسی است و حسابرسی با کیفیت تر ارتقای کیفیت افشا را در پی دارد.

۷-  $SG_{it}$  (Sales Growth) عبارت است از تغییرات رشد فروش سال جاری نسبت به رشد فروش سال قبل که از رابطه زیر بدست می آید:

$$(\Delta SALE_t / SALE_{t-1}) - (\Delta SALE_{t-1} / SALE_{t-2}).$$

### یافته های پژوهشی

هنگامی که از داده های ترکیبی برای تخمین استفاده میشود، قبل از هر کار باید آزمون F تعمیم یافته برای تشخیص نوع روش و نحوه برآورد اجرا شود. اگر نتیجه آزمون بر استفاده از روش داده های تلفیقی باشد، تخمین مدل با استفاده از روش داده های تلفیقی انجام میشود و اگر نتیجه بر استفاده از روش داده های تابلویی باشد، در ادامه از آزمون هاسمن برای تشخیص اثرات ثابت یا تصادفی بودن الگو استفاده خواهد شد.

### محاسبه متغیر مستقل (توانایی مدیریت)

ابتدا با ثابت کردن اثرات دوره، آزمون چاو اجرا شد. با توجه به احتمال آماره به دست آمده برای آزمون چاو (۰/۷۳۱) که کمتر از ۰/۰۵ نیست، فرض صفر این آزمون مبنی بر الگوی pooled رد نمیشود؛ لذا الگوی



مناسب مدل pooled است. بنابراین رگرسیون با این الگو اجرا شده و نگاره ۱ نتایج این رگرسیون را نشان میدهد. همانطور که مشاهده می شود مقدار آماره دوربین واتسون (۱/۶۸۵) بین ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد و لذا مدل فاقد خودهمبستگی بوده و احتمال آماره F نیز صفر است که نشان دهنده معنادار بودن مدل است. اکنون مقادیر پسماند برای هر سال شرکت از نرم افزار دریافت شده و در ادامه به عنوان متغیر توانایی مدیریت در نرم افزار Excel وارد می شود.

### نگاره ۱- متغیر وابسته: کارایی شرکت

متغیرها	ضریب همبستگی	انحراف معیار	آماره-t	احتمال
اندازه شرکت	(۰/۰۹)	۰/۰۱۵	۵/۹۲۱	۰/۰۰۰
سهم بازار	۱/۰۳۵	۰/۲۵۴	۴/۰۸۲	۰/۰۰۰
جریان وجه نقد آزاد مثبت	۰/۰۱۳	۰/۱۷۲	۰/۰۷۴	۰/۹۴۱
سن شرکت	۰/۰۷۲	۰/۰۳۸	۱/۹۰۸	۰/۰۵۷
تعداد شرکت های فعال در صنعت	۰/۵۷۵	۰/۰۶۴	۸/۹۶۸	۰/۰۰۰
ضریب ثابت	۰/۱۸۳	۰/۲۵۲	۰/۷۲۵	۰/۴۶۹
ضریب تعیین	۰/۱۵۲		احتمال آماره F	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۱۴۴		آماره دوربین واتسون	۱/۶۸۵
آماره F	۱۸/۰۷			

روش تخمین: Pooled Least Squares

### محاسبه متغیر وابسته (کیفیت گزارشگری مالی)

ابتدا با ثابت کردن اثرات دوره، آزمون چاو اجرا شد. با توجه به احتمال آماره به دست آمده برای آزمون چاو (۰۵۳/۰) که کمتر از ۰/۰۵ نیست، آماره آزمون چاو معنادار نبوده و بنابراین فرض صفر این آزمون مبنی بر الگوی pooled رد نمی شود؛ لذا الگوی صحیح مدل pooled است همانگونه که نتایج ارائه شده در نگاره ۲ نشان می دهد، آماره دوربین واتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار گرفته و از سویی دیگر احتمال آماره F نیز دارای احتمال صفر است که کمتر از ۰/۰۵ است. لذا می توان در ادامه از قدر مطلق مقادیر پسماند برای هر سال شرکت استفاده کرد. پس از استخراج مقادیر پسماند از نرم افزار Eview، این مقادیر وارد فایل Excel شده و قدر مطلق این مقادیر به عنوان نماینده کیفیت ارقام تعهدی و متغیر وابسته وارد مدل اصلی



برای آزمون فرضیه خواهد شد.

## نگاره ۲- متغیر وابسته : TCA روش تخمین: Pooled Least Squares

متغیرها	ضریب همبستگی	انحراف معیار	آماره-t	احتمال
جریان وجه نقد عملیاتی سال قبل	۰/۳۷۴	۰/۰۳۴	۱۱/۰۹۳	۰/۰۰۰
جریان وجه نقد عملیاتی سال جاری	۰/۴۸۴	۰/۰۳۵	(۱۳/۸۹۳)	۰/۰۰۰
جریان وجه نقد عملیاتی سال بعد	(۰/۲۳۷)	۰/۰۲۸	(۸/۵۵۱)	۰/۰۰۰
ضریب ثابت	(۰/۳۱۷)	۰/۰۰۸	۴۱/۸۲۶	۰/۰۰۰
ضریب تعیین	۰/۰۰۴		احتمال آماره F	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۰۰۴		آماره دوربین واتسن	۱/۷۱۰
آماره F	۱۳۰/۱۶۳			

### تعیین الگوی رگرسیونی مناسب و آزمون فرضیه

در بخشهای قبل نحوه محاسبه کیفیت اقلام تعهدی و همچنین توانایی مدیریت ذکر شد؛ در ادامه این متغیرها به عنوان متغیر وابسته و مستقل وارد مدل اصلی پژوهش میشوند تا برای آزمون فرضیه مورد استفاده قرار گیرند.

ابتدا با ثابت کردن اثرات مربوط به دوره رگرسیون اجرا شده و سپس آزمون F تعمیم یافته انجام شد. با توجه به احتمال آماره به دست آمده برای آزمون چاو (۰/۵۹۶) که کمتر از ۰/۰۵ نیست، آماره آزمون چاو معنادار نبوده و بنابراین فرض صفر این آزمون مبنی بر الگوی pooled رد نمی شود؛ لذا الگوی صحیح مدل pooled است.

همانگونه که نتایج ارائه شده در نگاره ۳ نشان می دهد، آماره دوربین واتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار گرفته که حاکی از عدم وجود خود همبستگی مدل بوده و همچنین احتمال به دست آمده برای آماره F نیز کمتر از ۰/۰۵ و نزدیک به صفر است که نشان از معناداری مدل دارد. همچنین احتمال به دست آمده برای متغیر مستقل کمتر از ۰/۰۵ بوده و بنابراین فرض صفر آزمون t استیودنت مبنی بر صفر بودن ضریب  $\beta_1$  رد می شود

که نشان از معناداری رابطه متغیر مستقل توانایی مدیریت با متغیر وابسته شاخص کیفیت اقلام تعهدی دارد. بنابراین فرضیه پژوهش پذیرفته خواهد شد.

### نگاره ۳: نتایج رگرسیون با الگوی اثرات ثابت

متغیر	ضریب	آماره t	احتمال	نتیجه
ضریب ثابت	۰/۱۶۹	۱/۳۵۱	۰/۱۷۷	بی معنا
توانایی مدیریت	۰/۱۹۱	۴/۷۰۴	۰/۰۰۰	معنادار
اندازه شرکت	(۰/۰۲۱)	(۱/۲۲۵)	۰/۲۲۱	بی معنا
نوسان فروش	۰/۰۱۲	۰/۷۵۸	۰/۴۴۹	بی معنا
نوسان جریان وجه نقد	۰/۰۱۴	۰/۹۲۱	۰/۳۵۸	بی معنا
چرخه عملیاتی	۰/۰۰۳	۰/۳۱۸	۰/۷۵۰	بی معنا
رشد فروشها	۰/۰۰۶	۰/۶۳۱	۰/۵۲۸	بی معنا
توانایی مدیریت*اندازه حسابرس	(۰/۲۸۲)	(۲/۷۱۳)	۰/۰۰۷	معنادار
اندازه شرکت*اندازه حسابرسی	۰/۱۳۳	۲/۹۲۶	۰/۰۰۴	معنادار
نوسان فروش*اندازه حسابرس	(۰/۰۹۹)	(۳/۰۳۰)	۰/۰۰۳	معنادار
نوسان جریان وجه نقد*اندازه حسابرس	(۰/۰۷۰)	(۲/۰۸۴)	۰/۰۳۸	معنادار
چرخه عملیاتی*اندازه حسابرس	۰/۰۲۷	۱/۴۷۴	۰/۱۴۱	بی معنا
رشد فروشها*اندازه حسابرس	(۰/۰۱۶)	(۰/۷۸۷)	۰/۴۳۲	بی معنا
اندازه حسابرس	۰/۰۲۴	۰/۱۰۰	۰/۹۲۰	بی معنا
کیفیت سود سال قبل	۰/۰۲۶	۰/۶۶۷	۰/۵۰۵	بی معنا
R2 تعدیل شده	۰/۰۸۱	آماره D-W	۱/۷۵۴	عدم خودهمبستگی
آماره F	۳/۵۷۱	احتمال آماره F	۰/۰۰۰	معناداری مدل

همانگونه که نتایج ارائه شده در نگاره ۳ نشان می دهد، آماره دوربین واتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار گرفته که حاکی از عدم وجود خود همبستگی مدل بوده و همچنین احتمال به دست آمده برای آماره F نیز کمتر از ۰/۰۵ و نزدیک به صفر است که نشان از معناداری مدل دارد. همچنین احتمال به دست آمده برای متغیر مستقل کمتر از ۰/۰۵ بوده و بنابراین فرض صفر آزمون t استیودنت مبنی بر صفر بودن ضریب رد می شود که نشان از معناداری رابطه متغیر مستقل توانایی مدیریت با متغیر وابسته شاخص کیفیت اقلام تعهدی



دارد. بنابراین فرضیه پژوهش پذیرفته خواهد شد.

با در نظر گرفتن شرکت هایی که حسابرس آن ها سازمان حسابرسی بوده، مشاهده می شود که احتمال بدست آمده برای توانایی مدیر کمتر از ۰/۰۵ بود که نشان میدهد توانایی مدیر با متغیر وابسته کیفیت اقلام تعهدی رابطه معنادار دارد و با توجه به منفی بودن ضریب حاصله، رابطه توانایی مدیر با شاخص کیفیت اقلام تعهدی رابطه منفی دارد. علاوه بر این، از میان متغیرهای کنترلی نیز احتمال بدست آمده برای اندازه شرکت، نوسان فروش و نوسان جریان وجه نقد عملیاتی کمتر از ۰/۰۵ است که نشان می دهد این متغیرها با کیفیت اقلام تعهدی رابطه دارد. بدین ترتیب شاخص اقلام تعهدی با اندازه شرکت رابطه مثبت و با نوسان فروش و نوسان جریان وجه نقد عملیاتی رابطه منفی دارد.

با بررسی نتایج فرضیه مشخص می شود که یافته با پژوهشهای مشابه از قبیل دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) سازگاری ندارد [۱۷].

با بررسی پژوهش های صورت گرفته در رابطه با این موضوع مشاهده می شود، فرانسیس و همکاران (۲۰۰۸) در پژوهش خود تأثیر شهرت مدیران اجرایی بر روی کیفیت سود را مورد بررسی قرار دادند. آن ها به این نتیجه رسیدند که بین میزان حسن شهرت مدیریت و کیفیت سود رابطه منفی وجود دارد. آن ها معتقدند که هیئت مدیره، برای مدیریت محیط های عملیاتی بسیار پیچیده و متغیر، مدیران مشهور و متخصص را به خدمت می گیرند و دلیل پایین بودن کیفیت سود این شرکت ها، محیط های عملیاتی متغیر و سایر ویژگی های درونی آن ها و نه اقدامات مدیریت است [۲۰].

با توجه به نتیجه پژوهش فرانسیس و همکاران، حدس منطقی بر این است که هیئت مدیره در شرایطی مدیران با توانایی بالا را به خدمت می گیرند که شرکت در یک محیط عملیاتی بسیار پیچیده و متغیر مشغول به فعالیت است، تا بدین ترتیب بتواند از توانایی مدیریت خود در راستای کنترل وضع موجود استفاده کند. در نتیجه، مشاهده رابطه منفی بین کیفیت گزارشگری مالی و توانایی مدیریت می تواند ناشی از شرایط پیچیده و متغیر و ویژگی های ذاتی شرکت باشد که منجر به کاهش کیفیت گزارشگری مالی شود، در حالی که مدیران با توانایی بالایی در شرکت به خدمت گرفته شده اند. از طرف دیگر، با در نظر گرفتن شرکت هایی که حسابرسی آنها توسط سازمان حسابرسی (به عنوان شاخصی از اندازه حسابرس بزرگ) انجام گرفته به نتایج در خور توجهی دست میابیم. مشاهده می شود، در چنین شرکت هایی بین توانایی مدیریت و شاخص کیفیت اقلام تعهدی رابطه منفی وجود دارد. به عبارت دیگر بین توانایی مدیریت و کیفیت اقلام تعهدی رابطه مثبت وجود دارد.

از طرف دیگر، با در نظر گرفتن شرکت هایی که حسابرسی آنها توسط سازمان حسابرسی (به عنوان شاخصی از اندازه حسابرس بزرگ) انجام گرفته به نتایج در خور توجهی دست میابیم. مشاهده می شود، در چنین شرکت هایی بین توانایی مدیریت و شاخص کیفیت اقلام تعهدی رابطه منفی وجود دارد. به عبارت



دیگر بین توانایی مدیریت و کیفیت ارقام تعهدی رابطه مثبت وجود دارد.

مدیران با توانایی بالا از یک طرف قادر خواهند بود با استفاده از توانایی و قدرت تصمیم گیری بالای خود عملکرد شرکت را بهبود بخشند و با گزارش منصفانه از عملکرد واقعی شرکت و بدون نیاز به دستکاری ارقام تعهدی به سود مطلوب دست پیدا کنند. بدین ترتیب منافع شخصی مدیر (مطلوبیت مدیر) و شرکت تأمین شده و سهامداران نیز با اتکا به اطلاعات گزارشات مالی منصفانه می توانند تصمیمات درست اتخاذ کرده و به منافع مورد نظر خود دست یابند. ولی از طرف دیگر نیز مدیران توانا قادر خواهند بود با استفاده از مهارت و توانمندی خود در جهت دستکاری ارقام تعهدی و مدیریت سود فرصت طلبانه، سود بیشتری گزارش کرده تا به منافع بیشتری دست یابند. در نتیجه مدیر توانا بسته به شرایط، هر دو انگیزه را می تواند داشته باشد. حدس منطقی بر این است که وجود سازمان حسابرسی به عنوان یک حسابرس بزرگ و با کیفیت موجب می شود که مدیر با ریسک درج بند شرط در گزارش حسابرسی شرکت مواجه شود و از آنجا که مدیر قادر خواهد بود با اتکا به توانایی خویش به مطلوبیت خود برسد، لذا برای دستیابی به منافی بیش از مطلوبیت خود چنین ریسکی را نخواهد پذیرفت؛ چرا که هزینه پذیرش این ریسک از منافع آن بیشتر است. در نتیجه مدیر در صدد بر می آید با اتکا به توانایی خود عملکرد و سود واقعی شرکت را گزارش کند که در این صورت گزارشات مالی ارائه شده با کیفیت خواهد بود.

مدیرانی که از توانایی لازم برخوردار نبوده و دارای ضعف مدیریتی هستند قادر نخواهند بود با اتکا به مهارت و توانمندی خود به سود مطلوب دست پیدا کنند، بنابراین در صدد بر می آیند تا با مدیریت کردن ارقام تعهدی، عملکرد ضعیف خود را پنهان کرده و منافع شخصی خود و شرکت را تأمین نمایند. مدیر می داند سودی که حاصل عملکرد واقعی شرکت است مورد نظر هیئت مدیره و سهامداران نبوده و منافع آنها را به خطر می اندازد، در این صورت هیئت مدیره تصمیم به برکناری مدیر خواهد گرفت. حدس منطقی بر این است که در این شرایط، مدیر با وجود حسابرسی شدن از سوی سازمان حسابرسی در صدد بر می آید تا ارقام تعهدی را دستکاری کرده و مدیریت سود فرصت طلبانه انجام دهد. چرا که مدیر در صورت برکنار شدن از مدیریت شرکت مطلوبیت بیشتری را از دست خواهد داد؛ در نتیجه او ریسک درج بند شرط در گزارش حسابرسی شرکت را خواهد پذیرفت. بنابراین، سود گزارش شده شرکت یک سود غیر واقعی و مدیریت شده است. به عبارت دیگر سود گزارش شده شرکت دارای کیفیت لازم نیست.

### نتیجه گیری و پیشنهاد

در این پژوهش رابطه بین توانایی مدیریت و کیفیت گزارشگری مالی مورد بررسی قرار گرفت. مدیرانی دارای توانایی بالا هستند که در مورد شرکت و صنعتی که در آن مشغول به فعالیت هستند، دارای آگاهی بیشتری باشند و همچنین با ترکیب مناسب اطلاعات به منظور انجام برآوردهای قابلتکا، بتوانند سودهای



با کیفیت تری را گزارش کنند [۲۶]. بدین ترتیب مدیران توانمند نیاز کمتری به دستکاری اقلام تعهدی در جهت پنهان سازی ضعف خود، دارند. چرا که آنها با استفاده بهینه از منابع شرکت و اطلاعات در دست میتوانند به سود مطلوب شرکت و نیز مطلوبیت شخصی خود دست یابند و همچنین با افشای اطلاعات بیشتر و افزایش کیفیت گزارشگری مالی، ارتباط بهتری را با سرمایهگذاران برقرار کرده و در نتیجه هزینه سرمایه را کاهش دهند.

با توجه به موارد مذکور فرضیه پژوهش حول این محور شکل گرفت که بین توانایی مدیریت و کیفیت سود رابطه معناداری وجود دارد و از معیار کیفیت اقلام تعهدی دچو و دیچو برای اندازه گیری اقلام تعهدی به عنوان شاخصی از کیفیت گزارشگری مالی استفاده شد. نتایج بدست آمده حاکی از رابطه منفی میان توانایی مدیریت و کیفیت گزارشگری مالی است. از طرف دیگر، با در نظر گرفتن شرکت هایی که حسابرسی آنها توسط سازمان حسابرسی انجام گرفته مشاهده می شود که بین توانایی مدیریت و کیفیت اقلام تعهدی رابطه مثبت وجود دارد.

### پیشنهادها

با توجه به نتایج پژوهش، موضوعات زیر جهت انجام پژوهش های بیشتر و به منظور تکمیل آنها پیشنهاد می شود:

- ۱- انجام پژوهش حاضر به تفکیک صنایع موجود در بورس به منظور کنترل تأثیر صنعت.
- ۲- استفاده از سایر معیارها به منظور تعیین کیفیت گزارشگری مالی.
- ۳- پژوهش حاضر با در نظر گرفتن اثر تعدیل کنندگی متغیر ریسک ورشکستگی انجام شود.

### منابع

- ۱- احمد پوراحمد، احمدی احمد (۱۳۸۷)، "استفاده از ویژگی های کیفی اطلاعات مالی در ارزیابی کیفیت سود"، *حسابداری و حسابرسی*، ۵۲، ص ۳-۱۶.
- ۲- اعتمادی حسین، مؤمنی منصور، فرج زاده دهکردی حسن (۱۳۸۹)، "مدیریت سود، چگونه کیفیت سود شرکت ها را تحت تأثیر قرار میدهد؟"، *پژوهش های حسابداری مالی*، ۲، ص ۱۰۱-۱۲۲.
- ۳- تقفی علی، رضازاده جواد (۱۳۸۲)، "زمینه فرهنگی رفتار حرفه ای حسابداران"، *مطالعات حسابداری*، شماره ۱.
- ۴- حقیقت حمید، بختیاری مسعود (۱۳۹۰)، "بررسی محتوای اطلاعاتی افزاینده ارقام تعهدی خلاف قاعده



- در مقایسه با جریانانات نقدی عملیاتی"، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، انجمن حسابداری ایران، ۹، ص ۱۷-۳۴.
- ۵- نوروش ایرج، ناظمی امین، حیدری مهدی (۱۳۸۵)، "کیفیت اقلام تعهدی و سود با تاکید بر نقش خطای برآورد اقلام تعهدی"، حسابداری و حسابرسی، ۴۳، ص ۱۶۰-۱۳۵.
- ۶- نیکومرام هاشم، بادآور نهندی یونس (۱۳۸۸)، "تبیین و ارائه الگویی برای تعیین و ارزیابی عوامل موثر بر انتخاب کیفیت گزارشگری مالی در ایران"، فراسوی مدیریت، ۸، ص ۱۸۷-۱۴۱.
- ۷- خدادادی ولی، دستگیر محسن، جلیلی امیر (۱۳۸۸)، "بررسی توانایی پیش بینی جریان نقدی آتی با استفاده از جریان نقدی و مؤلفه های تعهدی سودهای گذشته"، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، انجمن حسابداری ایران، ۴، ص ۵۴-۲۶.

8-Aier, J., J. Comprix, M. Gunlock, and D. Lee. (2005), "The financial expertise of CFOs and accounting restatements". *Accounting Horizons*, 19 (3), 123-135.

9-Bamber, L., J. Jiang, and I. Wang. (2010), "What's my style? The influence of top managers on voluntary corporate financial disclosure". *The Accounting Review*, 85 (4), 1131-1162.

10-Barua, A., J. Legoria, and J.S., Moffitt, (2006), "Accrals Management to Achieve Earnings Benchmarks: A Comparison of Pre-managed Profit and Loss Firms", *Journal of Business Finance*.

11-Basu, S. (1997), "The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings". *Journal of Accounting and economics*, 24, 3-37.

12-Bertrand, M., A. Schoar. (2003), "Managing with style: The effect of managers on firm policies". *Quart. J. Economy*, 118 (4), 1169-12080.

13-Dechow, P., and I. Dichev. (2002), "The quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors". *The Accounting Review*, 77 (4), 35-59.

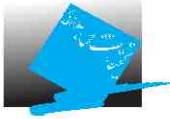
14-Dechow, P., and C. Schrand. (2004), "Earnings Quality. Charlottesville, VA: The Research Foundation of CFA Instituts".

15-DeJong, D., and Z. Ling. (2010), "Managers: Their effects on accruals and firm policies". *Working paper*, University of Iowa.





- 16-Demerjian, P., B., Lev, and S., McVay, (2006), “Managerial Ability and Earnings Quality”, AAA Annual Meeting, University of Michigan.**
- 17-Demerjian, P., B. Lev, and S. McVay. (2012), “Quantifying managerial ability: A new measure and validity tests”. Management Science, forthcoming.**
- 18-Fan, Q., and X.Zhang, (2005), “Conservatism and Accounting Information Quality”. Working Paper, University of California.**
- 19-Francis, J., R. LaFond, P. Olsson, and K. Schipper. (2004), “Costs of equity and earnings attributes”. The Accounting Review, 79 (4), 967–1010.**
- 20-Francis, J., A. Huang, S. Rajgopal, and A. Zang. (2008), “CEO reputation and earnings quality”. Contemporary Accounting Research, 25 (1), 109–147.**
- 21-Ge, W., D. Matsumoto and J. Zhang. (2011),” Do CFOs have style? An empirical investigation of the effect of individual CFOs on accounting practices”. Contemporary Accounting Research, 28 (4), 1141–1179.**
- 22-Gordon, MM. (1964), “Assimilation in American life: The role of race, religion, and national origins”. Oxford University Press.**
- 23-Klein,A., (1998), “Firm performance and board committee structure”. Journal of law and Economics. 41 (1), 275-303.**
- 24-Klein, A.(2002),“Audit committee, board of director characteristics and earnings management”. Journal of Accounting and Economics, 33(3), 375–400.**
- 25-LaFond, R. (2008), “Discussion of 'CEO reputation and earnings quality”. Contemporary Accounting Research, 25 (1), 149–156.**
- 26-Libby, R., and J. Luft. (1993), “Determinants of judgement performance in accounting settings: Ability, knowledge, motivation and environment. Accounting, Organizations and Society”, 18 (5), 425–450.**
- 27-McNichols, M. (2002), “Discussion of the quality of accruals and earnings:**



The role of accrual estimation errors”. *The Accounting Review*, 77 (4), 61–69.

28-Penman, S. and X. Zhang. (2002), “Accounting Conservatism, Quality of Earnings, and stock Returns”. *The Accounting Review*, 76, 237-264.

29-Plumlee, M., and T. Yohn. (2010), “An analysis of the underlying causes attributed to restatements”. *Accounting Horizons*, 24 (1), 41–64.

نشانی فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی

جنت آباد شمالی – بالای نیایش – گلستان شرقی

جنب خشکشویی – ساختمان ۸۴

تلفکس: ۴۴۸۴۴۷۰۵ و ۸۸۰۵۱۳۴۱